irannewspaper.ir

سه‌شنبه ۲۱ اسفند ۱۴۰۳ • سال سی‌و یکم • شماره ۸۶۹۹
• اذان ظهر ۱۲/۱۴ • اذان مغرب ۱۸/۲۶ • نیمه شب شرعی ۲۳/۳۲ • اذان صبح فردا ۰۴/۵۶ • طلوع آفتاب فردا ۰۶/۱۹

ایران

• **صاحب امتیاز:** خبرگزاری جمهوری اسلامی
• **مدیر مسئول:** صادق حسین جابری انصاری
• **سردبیر:** هادی خسروشاهین

• **مدیرعامل مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:** علی متقیان
• **تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
• **پیامک:** ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی • **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
• **صندوق پستی:** ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰۰
• **توزیع:** نشر گستر امروز • **چاپ:** چاپخانه‌های همشهری
• **سازمان آگهی های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
• **پذیرش سازمان آگهی ها:** ۱۸۷۷
• **انتشارات مؤسسه فرهنگی- مطبوعاتی ایران:** ۸۸۵۰۴۱۱۳

«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید

دعای روز دهم

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِی فِیهِ مِنَ الْمُتَوَکِّلِینَ عَلَیْکَ وَ اجْعَلْنِی فِیهِ مِنَ الْفَائِزِینَ لَدَیْکَ وَ اجْعَلْنِی فِیهِ مِنَ الْمُقَرَّبِینَ إِلَیْکَ بِإِحْسَانِکَ یَا غَایَهَ الطَّالِبِینَ

خدایا مرا در این ماه از توکل کنندگان و از رستگاران نزد خود و از مقرّبان درگاهت قرار بده، به احسانت ای هدف جویندگان.

اکران آنلاین «ساعت ۶ صبح» مدیری

«ساعت ۶ صبح» مهران مدیری امشب ساعت ۸، در فیلم‌نت اکران آنلاین می‌شود. فیلم «ساعت ۶ صبح» به کارگردانی و نویسندگی مهران مدیری و تهیه‌کنندگی علی اوجی است و روایتگر داستان دختری است که قصد دارد برای ادامه تحصیل به کانادا مهاجرت کند و پروازش ساعت ۶ صبح است. مهران مدیری، سمیرا حسن‌پور، مهرداد صدیقیان، مونا فرجاد، منصور نصیری، تینو صالحی، سعید زارعی، روژان ایرجی، خیام وقارکاشانی و وحید منتظری از بازیگران این فیلم هستند./ **مهر**

ملودیکای سامان احتشامی با «ملودیکافه»

«ملودیکافه» جدیدترین آلبوم سامان احتشامی و سینا سلیم‌زاده به‌زودی روانه بازار موسیقی خواهد شد. در این اثر، سینا سلیم‌زاده قطعاتی را برای ارکستر و پیانو تنظیم کرده که سامان احتشامی با ملودیکا به اجرای این آثار پرداخته، حال و هوای خاصی به آن‌ها بخشیده است. به گفته احتشامی، «هدف اصلی این آلبوم، خلق فضایی آرامش‌بخش است که شنوندگان بتوانند در کافه‌ها یا در هر لحظه‌ای از آن برای استراحت و آرامش استفاده کنند.»/ **ایران**

«صفر پنج» با هادی حجازی‌فر

هادی حجازی‌فر تهیه‌کننده نمایش «صفر پنج» به نویسندگی، کارگردانی و بازیگری آروین شاه‌حسینی شد. در نمایش «صفر پنج» امیرموسی کاظمی به‌عنوان مجری طرح حضور دارد. این نمایش از ۱۸ فروردین ماه ۱۴۰۴ تا ۱۲ اردیبهشت ماه در خانه هنرمندان ایران و در تماشاخانه استاد انتظامی روی صحنه خواهد رفت. در خلاصه این نمایش آمده: آری آغاز دوست داشتن است/ گر چه پایان راه ناپیداست / من به پایان دگر نیندیشم /که همین دوست داشتن زیباست./ **برنا**

به بهانه به فروش گذاشتن «سینما پارس» تهران

خاطره‌سازانی که به خاطره می‌پیوندند

نرگس عاشوری-گروه فرهنگی/ «سینما پارس» هم که قدمتی طولانی در تاریخ سینمای تهران دارد، اخیراً به فروش گذاشته شده است تا بعد از سینماهای «عصر جدید» و «سینما بلوار» یکی دیگر از سینماهای قدیمی که با خاطره جمعی مردم تهران و مخاطبان سینما گره خورده بود، به پایان عمر خود برسد. چه بسیار فیلم‌های مهمی که بر پرده این سه سینما به نمایش درآمده و چه صف‌های طولانی که پای گیشه آن شکل گرفته که همه آنها به غیر از تجربه فیلم دیدن، خود به بخشی از خاطره سینمایی مخاطبان تبدیل شده‌اند، سینماهایی که حالا خودشان هم به خاطره‌ها پیوستند. حافظه تصویری ما سرشار از سینماست. سینما چه به مثابه فیلم‌هایی که دیده‌ایم و پلان و سکانس‌ها و دیالوگ‌هایی که از آنها در خاطره داریم و چه سینما به مثابه مکان سینما. سالن‌های سینماهایی که همان فیلم‌ها را در دامن آن به تماشا نشسته‌ایم. از این حیث سینماها به مثابه مکان‌های اکران و نمایش فیلم تنها یک مکان نیست، یک امکان است. یک امکان ذهنی و حسی که خاطرات ما را به بهانه‌های مختلف احضار کرده و تلخ و شیرین‌های تجربه‌های زیسته در سالن‌های سینما را تداعی یا بازتولید می‌کند. سینما پارس برای خیلی‌ها و احتمالاً برای طبقات متوسط به پایین سرشار از همین خاطرات سینمایی است که حالا خود به خاطره می‌پیوندد. کافی است نیم‌نگاهی به تاریخچه و ویژگی‌های این سینما داشته باشیم.

سینما پارس که در میدان انقلاب قرار دارد، در دهه ۴۰ خورشیدی با نام یونیورسال فعالیت خود را آغاز کرد. اسماعیل کوشان یکی از مالکان اولیه این سینما بود، اما بعدها مالکیت آن به دست سینماگران برجسته‌ای چون مرتضی و مصطفی شایسته افتاد. گرچه این سینما همانند سینما عصر جدید که مدتی قبل فروش آن اعلام عمومی شد، برای سینمادوستان خاطرات زیادی را به یاد می‌آورد اما مالکان این نوع سینماها و نیز برخی کارشناسان فرهنگی معتقدند که شرایط، چاره دیگری جز فروش باقی نمی‌گذارد بخصوص وقتی از سوی دستگاه‌های متولی حمایتی صورت نمی‌گیرد. درباره سینما پارس گفته می‌شود که دلایل متعددی سبب فروش آن شده، از جمله نبود امکانات لازم برای مردمی که بخواهند برای تماشای فیلم به مرکز شهر بیایند و نیز وجود بیش از ۱۰ سالن سینما در کنار هم (۵سالن سینما مرکزی، ۲سالن سینما پارس و ۴ سالن سینما بهمن). واقعیت این است که تعطیلی سینما فقط تعطیلی بخشی از فرهنگ یا اقتصاد فرهنگ نیست، بلکه بر رونق بازار و کاسبی مغازه‌ها و فروشگاه‌های اطراف هم تأثیر منفی می‌گذارد. آن هم در شرایطی که روزگاری حضور کتابفروشی‌ها و خود دانشگاه تهران در نزدیکی این سینماها که نسبت فرهنگی هم با این مکان دارد، موجب می‌شد تا این سینماها در روزگاری یکی از شلوغ‌ترین سینماهای تهران باشند. دانشجوها از این خیابان و میدان گذر می‌کنند و هرجا هم که مردم از آن عبور کنند، زنده خواهد بود اما از زمانی که دانشگاه‌ها تعطیل شد و ویروس کرونا همه‌جا را فرا گرفت، چراغِ سینما هم در اینجا خاموش شد.

امیرحسین علم‌الهدی از مدیران سابق سینمایی که زمانی مدیریت سینما فرهنگ را به عهده داشته است، معتقد است: «سیر خزنده تعطیلی سینماهای لاله‌زار که از اواخر سال ۱۳۷۰ آغاز شد، در دهه ۹۰ به خیابان انقلاب و میدان ولیعصر و سینماهایش رسید. اپیدمی کرونا هم توانست سرعت این سیر خزنده را بیشتر کند تا سینمای ایران متوجه این نکته باشد که سینمداری یک فعالیت منفک از تولید است و امکان وصل حیات و ممات سینمداری به سیاست‌های تولید و مصرف فیلم داخلی یک سیاست سرتاسر اشتباه و مرگ‌آور (تعطیلی سینماها) است.» به اعتقاد علم الهدی: «سینمداری مثل هر فعالیت استاندارد توزیع و فروش محصول، مختصات منطقی عرضه و تقاضای بازار را در خود دارد و نه مختصات خاص مشتری‌مداری به سبک تولید و مصرف محصولات داخلی. براین اساس فرونشست‌های سینمایی (تعطیلی) بیشتری را در آینده با این سبک و سیاق علم اقتصاد داخلی سینما در پیش خواهیم داشت.»

این وضعیت موجب پرسشی مهم در میان کارشناسان و همچنین عموم مردم و علاقه‌مندان به سینما شده است؛ اینکه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در راستای حفظ سینماهای تاریخی و جلوگیری از تعطیلی آنها چه تدابیری اندیشیده است؟ آیا می‌توان این سینماها را به شکلی دیگر بازسازی کرد و از تعطیلی بیشتر سینماهای قدیمی جلوگیری کرد؟ این سینماها فقط یک مکان نیستند بلکه محل و محفل خاطره‌سازی و خاطره بازی برای مخاطبان است. برخی در این سینماها زندگی کردند، خاطره ساختند و سالن‌های آن حتی تداعی‌گر تجربه‌هایی عاشقانه دادن به سال‌ها خاطرات جمعی علاقه‌مندان سینماست؛ پایان دادن به یک نوستالژی سینمایی و پاک کردن بخشی از خاطرات شهری تهران است. تعطیل شدن این سالن‌های سینما به نوعی سوگواری برای ویران شدن بخشی از تعلق خاطر جمعی است. کاش نهادهای فرهنگی و شهری و فراتر از آنها، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای حفظ این خاطرات جمعی تدبیری می‌اندیشیدند. گذر از میدان انقلاب، گذر از میدان خاطره‌هاست؛ خاطراتی که یادآوری‌شان لبخند روی لب می‌نشاند و جای خالی

است؛ تجربه‌هایی که تکرار آن گاهی ناممکن است. تعطیلی و نابودی سینماهای قدیمی صرفاً ویران ساختن یک ساختمان نیست، پایان این سینماها، شبیه جای خالی دندان‌های ترمیم نشده عجیب به چشم می‌زند و حس خوش لبخند را در حلقوم می‌ماسد.

یادداشت

بلاگرهای سینمایی، بلایی سینمایی

رضا صائمی-دبیر گروه فرهنگی/ قلم‌زنی سینمایی و حضور در بخش مکتوب سینما پیش‌ترها حکایت خاص خود را داشت. شاید اکنون این مدعا عجیب به نظر برسد اما تا همین یک دهه گذشته که هنوز دنیای مجازی و جهان اینترنتی به اندازه امروز گسترده نشده بود امکان راهیابی برای هر کسی که صرفاً به سینما و حوزه نقد علاقه داشت به عرصه روزنامه‌نگاری سینمایی فراهم نبود و مثل ورود به بازیگری، موانع و دشواری‌های زیادی داشت. با گسترش اینترنت و جامعه شبکه‌ای و مجازی در کشوراین امکان فراهم شده تا هر کس در هر زمانی که اراده کند یک رسانه شخصی و روزنامه الکترونیکی برای خود تأسیس کرده که مدیرمسئول و سردبیرو نویسنده آن نیز یک نفر است. اگرچه رشد و توسعه رسانه‌های مجازی و دنیای اینترنت ایجاد یک نوع دموکراسی ارتباطی و امکان فرصت برابر برای همه شهروندان ایجاد کرده تا به واسطه ایجاد فضاهای مجازی، بتوانند افکار و عقاید خویش را بیان و در معرض تبلیغ و ترویج قراردهند اما این نعمت بدون نقمت و آسیب هم نبوده و پیامدهای منفی زیادی داشته است. مصداق این آسیب را در حوزه سینما می‌توان تأسیس و ایجاد قارچ‌گونه صفحه‌های سینمایی رنگارنگی دانست که هرکس که گوشه چشمی به سینما داشته، عشق فیلم بوده یا گمان می‌کرده که نویسنده و منتقد سینمایی است یک نبش دکان مجازی در بازار سینما راه انداخته است.

این صفحات را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد؛ یکی صفحه تخصصی و حرفه‌ای که به نویسندگان و منتقدان حرفه‌ای سینما تعلق دارد که در آن یا مطالب و نقدهای منتشر شده خود را در مطبوعات درج می‌کنند یا به مسائل حاشیه‌ای، شخصی و خط قرمزی که امکان انتشار آن در نشریات نیست می‌پردازند که می‌تواند به نیازهای مخاطبان مشتاق و جدی سینما پاسخ دهد. دوم صفحه‌های شخصی برخی علاقه‌مندان سینماست که به هر دلیلی از امکان انتشارفعالیت مطبوعاتی محروم هستند. دسته‌ای از آنها تعداد بیشتری را به خود اختصاص می‌دهند صرفاً جهت شهرت‌طلبی و ارضای نیازهای شخصی که با «خود منتقدانگاری» و توهمات نارسیستی همراه است؛ یک تشتت و آشفتگی نوشتاری-سینمایی را در فضای مجازی دامن زده‌اند. کافی است درجست‌وجوگرهای مجازی هشتگ سینما را سرچ کنید تا انواع و اقسام این وبلاگ‌های بی‌هویت و رنگارنگ جلوی چشمانتان ظاهر شوند. اینها بیشتر هواداران مجازی فلان بازیگرند که گاه به اشتباه خود را خبرنگار و نویسنده سینمایی فرض می‌کنند. متأسفانه اینترنت و قابلیت‌های آن درایران نیز مثل بسیاری از محصولات غربی دیگر بدون خودآگاهی و شناخت مصرف شده بدون اینکه هیچ کارکرد و تأثیر مثبتی داشته باشند. این دسته بیش از آنکه دغدغه سینما داشته باشند دغدغه شهرت و نام و نان‌آوری خود را دارند. آنها به دلیل اینکه نتوانستند در عالم واقع برای خویش منزلت و شأنی اجتماعی به دست آورند در عالم خیالی و مجازی، هویتی دروغین خلق می‌کنند تا بودن خود را این‌گونه اثبات کنند که «من سینمایی نویسم، پس هستم!»

ضیافت الهی (۱۰)

فضیلت روزه‌دار

- در فضیلت روزه همین بس که انسان شبیه فرشته می‌شود و فرشته کارش خوردن و نوشیدن و پاسخ به غرایز و امثال اینها نیست؛ لذا انسان در ماه مبارک رمضان دعوت شد که فرشته بشود و فرشته شدن ممکن است، یعنی خوردن و خوابیدن، مزاحم نیست که انسان فرشته بشود، خب ما چرا فرشته نشویم؟! نوجوان‌های ما و جوان‌های ما از ماه رمضان بیشترین بهره را ببرند.

آیت‌الله العظمی جوادی آملی

پیشخوان فرهنگی

روایت‌های اخلاقی در«اندوه مدرسه»

پرداختن به موضوعات روان‌شناختی و اخلاق از مباحث قابل توجهی است که در آثار مکتوب بسیاری از نویسندگان دنیا قابل مشاهده است. مانند اثر تازه‌ای که دانیل پناک نویسنده فرانسوی منتشر کرده است. این کتاب «اندوه مدرسه» نام دارد با ترجمه اسماعیل کرم‌نژاد و به علاقه‌مندان این ژانر از کتاب‌های داستانی پیشنهاد می‌شود. اندوه مدرسه خود زندگینامه‌ای دردناک است. ماجراهای «پسربچه خنگی» که گویا مقابل فهمیدن مقاومت می‌کند. به گفته برادرش سگشان از او باهوش‌تر است، اما سرانجام روزی می‌رسد که یک آموزگار او را «از دست خودش نجات می‌دهد» و تغییر آغاز می‌شود. تقریباً در زندگی دانش‌آموزی همه ما، معلمی پیدا می‌شود که با گفتار یا رفتاری متفاوت، تأثیری ماندگار در ما به جای می‌گذارد. دنیل پناک نیز خود سرانجام مسیر آموزگاری را در پیش می‌گیرد تا ناجی «خنگ‌های جدید» شود و این دگردیسی از او نویسنده‌ای بزرگ می‌سازد. پناک در کلاس‌ها و کتاب‌هایش در جست‌وجوی «پرستوهای مهاجری» است که در آغاز مسیر خود، به شیشه پنجره‌ای خورده و بالشان زخمی می‌شود. پناک یکی از ناجی‌های این پرستوهاست.

اجرای چکناواریان در ارمنستان

اُپرای «رستم و سهراب» به آهنگسازی لوریس چکناواریان فروردین ماه ۱۴۰۴ در ایروان روی صحنه می‌رود. نویدی برای علاقه‌مندان به اپرا و دوستداران لوریس چکناواریان که مدت‌ها از تماشای اجرای این آهنگساز و رهبر ارکستر محروم مانده‌اند. البته این کنسرت قرار است در ارمنستان برگزار شود و بیشتر به ایرانیان مقیم در این کشور پیشنهاد می شود. لوریس چکناواریان با انتشار ویدیویی در صفحه اینستاگرامش اعلام داشته: «سلام دوستان گرامی. امروز تولد یکی از آثار من است. اُپرای رستم و سهراب شاهکار فردوسی که سال‌های سال کار کردم تا این داستان زیبا را به صورت اُپرا درآوردم و امروز در اُپرای ایروان برنامه‌ریزی کردم و ۱۱ تا ۱۳ فروردین اجرا خواهد شد. برای من افتخار بزرگی است و خوشحالم که دوست عزیزم یارتا یاران که هنرپیشه، کارگردان و شاعر بزرگی است، کارگردانی و طراحی این اُپرا را برعهده دارد و کار فوق‌العاده‌ای انجام داده و امیدوارم شما دوستان گرامی، تشریف بیاورید و همه باهم به اتفاق، این شاهکار ادبی رستم و سهراب فردوسی را به آهنگسازی من شاهد باشید و ببینید و بشنوید. به امید دیدار.» اجرای صحنه‌ای و کامل اُپرای «رستم و سهراب» (در دو پرده) با آهنگسازی و رهبری لوریس چکناواریان، طراحی صحنه، لباس و کارگردانی یارتا یاران ۱۱ تا ۱۳ فروردین ۱۴۰۴ (۳۱ مارس، یکم و ۲ آوریل ۲۰۲۵) در سالن اُپرای ایروان ارمنستان به روی صحنه می‌رود.

یک پرفورمنس در یک عصر دلچسب

خانه هنرمندان این روزها با چیدمانی متفاوت میزبان مخاطبانی دیگر از جنس هنر است. علاقه‌مندان به یک پرفورمنس تماشایی با طراحی و اجرای بهمن عباسپور. «رکوئیم اطلس‌های زاگرس» روز جمعه ۲۴ اسفند ۱۴۰۳، بین ساعت ۱۶ تا ۲۰ در تمامی لابی‌های خانه هنرمندان ایران اجرا می‌شود. این اجرا با بهره‌گیری از فضای راهروهای خانه هنرمندان ایران و چیدمان‌های صورت گرفته برای مخاطبان رایگان است و هر زمان و به هر میزان که تمایل داشته باشند می‌توانند ازاین اجرای چهارساعته که بدون وقفه برگزار می‌شود دیدن کنند. البته این کار اول بهمن عباسپور نیست تا به حال پرفورمنس‌های متعددی از جمله «پرومته در زنجیر»، «هفتاد و شش دو صفر»، «الف نون الف ر» و... را در نسخه‌های متفاوت اجرا کرده که مورد استقبال بسیاری از علاقه‌مندان به پرفورمنس، تئاتر و هنرهای مفهومی قرار گرفته است.

عکس نوشت

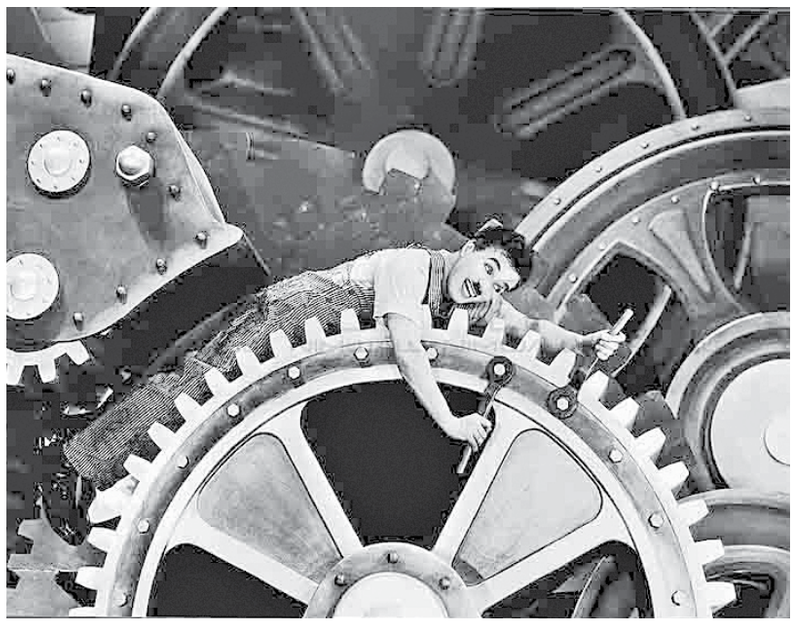

عصر جدید و نقد کمیک

گرچه سینمای عصر جدید امروز به خاطره‌ها پیوسته اما فیلم عصر جدید چارلی چاپلین هنوز روایتی معتبر از مخاطرات عصر جدید است. او در «عصر جدید» به خلق تصویر اسارت انسان توسط ماشین و تراژدی مواجهه انسان و ماشینیسم دست می‌زند و از مسخ شدن انسان توسط ماشین سخن می‌گوید؛ چاپلین به استحاله انسان در تکنولوژی و جهان ماشینی پرداخته که مصادیق نمادین آن را می‌توان در جایی جست‌وجو کرد که او در لای چرخ دنده‌های دستگاه کارخانه گیر می‌کند. این صحنه روایتی از بلعیده شدن انسان توسط تکنولوژی‌های مدرن است. در جایی که او به عنوان یک کارگر هر روز باید پیچ و مهره‌ها را سفت کند آنقدر در این کار غرق می‌شود که به تدریج دچار استحاله هویتی شده و خود به بخشی از همان فرآیند کار بدل می‌شود. خودش ماشینی می‌شود که گویی از سویه‌های انسانی‌اش دور شده و به قول مارکوزه به انسان تک ساحتی بدل شده است.